

سرنخ جنایت در لباس های قربانیان

راز گشایی از قتل عام خانوادگی، خاطره یکی از کارآگاهان اداره آگاهی ارومیه است



در یکی از شب های سرد زمستانی مشغول رسیدگی به پرونده قتل بودیم که تلفن دایره جنایی به صدا درآمد و قتل عام خانوادگی به ما گزارش شد. به دنبال این خبر راهی محل حادثه شده و با ورود به ساختمان با اجساد خون آلود اعضای خانواده سه نفری مواجه شدیم. جسد زن جوان که خانم خانه بود و حدود ۲۵ سال داشت در مقابل ورودی هال به حالت طاقباز افتاده بود. زن جوان ماتو و روسری داشت و آثار اصابت گلوله به سر و گردن او دیده می شد.

در گوشه دیگر هال، روی میبل راحتی جسد مرد جوانی به نام قاسم دیده می شد که همسر زن جوان بود. او هم با شلیک گلوله از پای در آمده بود، اما لباس هایی که به تن داشت راحتی و لباس خانه بود و در گوشه دیگر هال جسد کودکی حدود دو ساله بود. کودک در کنار اسباب بازی هایش و در حالی که مشغول بازی بود مورد هدف گلوله قرار گرفته بود.

تیراندازی بدون پوکه

اجساد با دستور باز پرس جنایی به پزشکی قانونی انتقال داده شد و در بازرسی خانه، دو عدد پوکه سلاح کمری با کالیبر ۷/۶۵ زیر میلمان خانه کشف شد، اما طبق تحقیقات صورت گرفته و با توجه به جای گلوله های روی بدن قربانیان، این طور به نظر می رسید که از هفت تیر شلیک شده و این احتمال وجود داشت که عامل یا عاملان جنایت پوکه ها را از صحنه جمع آوری کرده اند و پوکه های کشف شده نیز از دید آنها پنهان مانده است.

سراغ درهای ورودی خانه رفته تیم تمشخص شود عامل یا عاملان جنایت با تهدید و زور داخل شده اند یا صاحب خانه آشنا بوده اند. اما سالم بودن قفل درها نشان می داد که دریا توسط ساکنان خانه یا به وسیله کلید از سوی عاملان جنایت باز شده است. بررسی صحنه تا ساعت دو بامداد طول کشید و بعد از آن باید سراغ ساکنان محل که اولین شاهدان صحنه بودند، می رفتیم.

فرضیه هایی برای جنایت

پرونده به صورت ویژه مورد رسیدگی قرار گرفت. نخستین فرضیه ای که مطرح بود، جنایت به خاطر انتقام بود، چرا که پدر مقتول سال ۶۵ به خاطر اختلافات قومی و خانوادگی به قتل می رسد و سه روز بعد قاتل که یکی از افراد قبیله بود دستگیر شده و به قتل اعتراف می کند. متهم در دادگاه به قصاص محکوم و حکم اعدام او از سوی دیوان عالی کشور تایید شده بود. خانواده قاتل برای گرفتن رضایت دست به هر کاری

می زنند و حتی خانواده مقتول را تهدید کرده بودند. در نهایت با تلاش واحد اجرای احکام دادسرا بعد از ۲۰ سال تمامی افراد خانواده به جز قاسم رضایت می دهند و از خون پدر می گذرند و این ماجرا درست مصادف بود با زمان قتل قاسم و خانواده اش. این احتمال بود که جنایت از سوی بستگان قاتلی که ۲۰ سال در زندان به سر می برد صورت گرفته باشد. چند نفری در این رابطه به عنوان مظنون بازداشت شدند، اما تحقیقات پلیسی نشان داد که آنها در جنایت نقشی نداشته اند.

لباس های مقتولان

پرونده را برای چندمین بار مرور کردیم، چیزی که توجهم را به خود جلب کرد، لباس های قربانیان پرونده بود. همسر قاسم لباس بیرون به تن داشت، اما خود قاسم و فرزندش لباس های خانه به تن داشتند. این نشان می داد که متهم یا متهمان این پرونده با قاسم آشنا بوده اند، اما باید به این موضوع پی می بردم که همسر قاسم در مقابل چه کسانی با چنین پوششی حضور داشته است.

فهرست مظنونان

از خانواده قربانی تحقیق صورت گرفت و مشخص شد همسر قاسم در مقابل بستگان درجه یک و ۲ خود و شوهرش راحت بوده و حتی بدون روسری حضور پیدا می کرده است. به این ترتیب اسامی افراد درجه یک و ۲ از فهرست مظنونان این پرونده حذف شد. افراد این فهرست می توانستند بستگان، آشنایان درجه سوم یا دورتر باشند.

واریز شده بود.

وقت اعتراف

مجید که راهی جز بیان حقیقت ندید به قتل اعتراف کرد و گفت: همسر مقتول یکی از بستگان دورم بود، آنها زندگی نسبتاً مرفهی داشتند و من به پول نیاز داشتم، برای همین نقشه قتل را طراحی کردم. روز حادثه ساعت یک بعد از ظهر از محل کارم مرخصی گرفتم و به خانه رفتم. اسلحه ای را که از قبل تهیه کرده بودم برداشتم و همراه همسرم راهی خانه قاسم شدیم.

جنایات هولناک

او ادامه داد: همسر قاسم در را برای ما باز کرد، و انمود کردیم دنبال خانه مستاجری هستیم. ابتدا به قاسم شلیک کردم و فرزند قاسم با دیدن جسد پدرش شروع به گریه کرد و او را هم به قتل رساندم. همسر قاسم در آشپزخانه بود و برای این که با اجساد مواجه نشود آنها را به گوشه ای منتقل کردم. وقتی او وارد هال شد به او هم شلیک کردم. با کمک همسرم جسد را به هال کشانیدیم و ۲۵۰ هزار تومان پول، گوشی تلفن همراه، طلا و جواهرات همسر قاسم را برداشتیم.

به دنبال اعترافات مجید، همسر او نیز به جنایت اعتراف کرد. متهمان پرونده پس از اعتراف به قتل به بازسازی صحنه جنایت پرداختند و راز قتل خانوادگی در مدت ۲۰ روز با تلاش شبانه روزی کارآگاهان جنایی ارومیه برملا شد.

با این فرضیه تحقیقات را در مسیر دیگری پیش بردیم. رفت و آمدها و روابط خانوادگی مقتولان مورد بررسی قرار گرفت. در تحقیقات مشخص شد قاسم برای یکی از آشنایان و بستگان همسرش به نام مجید دنبال خانه اجاره ای بوده و حتی در تماس با یکی از آشنایانش که قصد اجاره آپارتمانی داشته، گفته بود با مجید قرار می گذارد تا از خانه دیدن کنند.

با به دست آمدن این تحقیقات در رابطه با مجید آغاز و طبق بررسی های صورت گرفته مشخص شد مجید ساعت یک ظهر روز جنایت با گرفتن مرخصی ساعتی، محل کارش را ترک کرده و بعد از چهار روز برگشته است. از طرفی بعد از برگشت رفتار مرد جوان کاملاً تغییر کرده، به طوری که کارگری که در تمام طول ماه پول قرض گرفته و حقوقش را به صورت مساعده می گرفته از زمانی که از مرخصی آمده وضع مالی اش بهتر شده و دیگر قرض نمی گرفته است. شک ماموران به مرد جوان زمانی بیشتر شد که صاحب خانه مجید گفت مرد جوان اجاره های عقب مانده اش را پرداخت کرده و برای خانه اش وسایل جدید خریداری کرده است.

دفترچه پول

به این ترتیب مجید و همسرش بازداشت شدند و در بازرسی از خانه متهمان دفترچه حسابی کشف شد که مبلغ ۶۲۰ هزار تومان در حساب همسر مجید بود و ۶۰۰ هزار تومان از این پول به تازگی و بعد از جنایت ها به حساب زن جوان